

تداوم روند فزاینده قیمت جهانی و افسانه زدائی از بازار نفت

دیگر آن است که کاهش ارزش دلار موجب انتقال پول‌ها و سرمایه‌های شناور در بازار بورس معاملات ارز به معاملات نفت شده است این ادعا اگر همراه با مطالعه و بررسی آماری و مستندات باشد می‌تواند قابل قبول باشد اما در غیر این صورت قابل پذیرش نیست چرا که تضعیف دلار به معنای تقویت یورو یا ارزهای دیگر است و اصولاً منافع بورس بازان در همین نوسانات و تغییرات است و دلیلی ندارد که در شرایط پر جاذبه شدن بازارهای معاملات ارزی آن را ترک کنند. بنظر می‌رسد که در هر حال اینک هر توجیهی که مشکل بازار نفت را به عوامل دیگری غیر از عدم کفایت عرضه و فقدان ظرفیت مازاد تولید نسبت دهد مورد استقبال اوپکی‌ها قرار می‌گیرد.

در واقع بنظر می‌رسد مشکل اصلی یا حداقل اصلی تر بازار نفت همان چیزی است که اخیراً «کریستوفر دومارژری» مدیر عامل شرکت توتال گفته است. وی چند هفته قبل اعلام کرد که: به علت عرضه محدود نفت خام و کمبود ظرفیت مازاد تولید در بین تولیدکنندگان عضو اوپک، قیمت‌های نفت احتمالاً به روند سعودی خود ادامه خواهد داد. دومارژری اشاره می‌کند که امروز کشورهای عضو اوپک در سقف ممکن تولید می‌کنند و ادعا می‌کند که تنها عربستان سعودی اضافه ظرفیت محدودی دارد اما مجبور است آن را بعنوان سوپاپ اطمینان بازار حفظ کند. البته یکی از افسانه‌های بازار نفت نیز همین اضافه ظرفیت محدود عربستان یا به قول دومارژری سوپاپ اطمینان بازار است. معلوم نیست که واقعاً اضافه ظرفیتی وجود دارد یا سعودی‌ها سعی کرده‌اند که توهم وجود آن را بعنوان سوپاپ اطمینان بازار نگهدارند. در صورت تداوم روند فعلی بازار، دیر یا زود واقعیت این اضافه ظرفیت هم روشن خواهد شد.

اما بنظر می‌رسد که آقای دومارژری یا به مسائل روانی بازار توجه ندارد و یا به عنوان مدیر یک شرکت نفتی از بالا رفتن قیمت نفت خشنود است و از افزایش بیشتر آن نیز استقبال دارد. در صورتی که بسیاری از مقامات کشورهای مصرف‌کننده بتدریج حقایق بازار را درک کرده اند و قانع شده‌اند که منطق عربستان سعودی به نفع ایشان است و فهمیده‌اند که اگر به اوپک فشار زیادی وارد کنند و اوپک دست خود را بالا ببرد و افشا شود که کاری از اوپک ساخته نیست حساسیت روانی بازار دوچندان خواهد شد.

برخلاف روسای قبلی آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) که مرتباً به اوپک فشار می‌آوردند که تولید خود را افزایش دهد «نوبوتاناکا»

تداوم بالا بودن نسبی قیمت‌های جهانی نفت و تداوم روند افزایشی این قیمت‌ها، رفته رفته از بازار نفت رازگشائی و افسانه زدائی می‌کند. عربستان سعودی از حدود دو سال پیش متوجه شد که نه این کشور و نه سایر اعضاء اوپک به دلیل فقدان ظرفیت مازاد تولید، دیگر قادر به تأثیر گذاری فیزیکی بر بازار نفت نیستند و لذا ترجیح داد که نقش خود و سازمان اوپک را در جهت کنترل مسائل روانی بازار تغییر دهد. بسیاری از دیگر مقامات اوپک نیز که ترجیح می‌دادند ضعف و ناتوانی اوپک و اعضاء آن در افزایش تولید نفت آشکار نشود خط‌دهی عربستان سعودی را پذیرفتند و هم صدای با وزیر نفت عربستان دائماً در موضع گیری‌ها و اظهار نظرهای خود اعلام می‌نمودند که مشکل بازار نفت مشکل عرضه و تقاضا و یا به عبارتی مسائل اساسی بازار نبوده و به عوامل دیگری مانند بورس بازی مربوط می‌شود. سوژه جدیدتر برای توجیه افزایش قیمت نفت و توجیه عدم نیاز به افزایش تولید، سوژه کاهش ارزش دلار بود بسیاری اظهار می‌کنند که افزایش قیمت نفت در چند ماه اخیر از کاهش ارزش دلار ناشی شده است. جالب است که اوایل هیچکس مکانیزم ارتباطی این دو عامل را به درستی توضیح نمی‌داد؟! البته اینکه کاهش ارزش دلار ارزش حقیقی قیمت نفت یا قدرت خرید هر بشکه نفت را کاهش می‌دهد حرف درستی است اما اینکه کاهش ارزش دلار چگونه منجر به افزایش قیمت (اسمی) نفت می‌شود نیاز به توجیه و استدلال دارد. ممکن است تصور شود که کاهش ارزش دلار و افزایش ارزش سایر ارزها در مقابل دلار موجب افزایش قدرت خرید بلوک‌های غیردلاری برای نفت خام میشود و از این طریق تقاضای نفت را افزایش داده و قیمت را بالا می‌برد. این حرف تا حدودی و در شرایط ثبات قیمت‌های نفت می‌تواند درست باشد اما اولاً- باید توجه داشت که در کشورهای صنعتی مصرف‌کننده عمده نفت عضو OECD مکانیزم‌های مالیاتی و وضع مالیات‌های سنگین بر فرآورده نفتی عملاً ارتباط مصرف‌کنندگان نهانی را با قیمت‌های بازار جهانی نفت خام قطع کرده است، ثانیاً- باید توجه داشت که چه در همین کشورهای صنعتی و چه در سایر کشورهای واردکننده نفت خام، کاهش اخیر ارزش دلار با افزایش شدید در قیمت‌های جهانی نفت همراه بوده است که این کاهش ارزش دلار تنها بخشی از افزایش قیمت را جبران نموده است بنابراین بعید است که اضافه تقاضای قابل توجهی ناشی از کاهش ارزش دلار بوجود آمده باشد. ادعای

ریاست جمهوری سال ۲۰۰۸ این کشور، «باراک اوباما» نشان داد که حداقل در مورد بازار نفت شناخت بیشتر نسبت «هیلاری کلینتون» دارد. در حالی که هیلاری، اوپک را تهدید نمود که در صورت رأی آوردن قوانینی را به تصویب خواهد رساند که بتواند با اوپک مقابله کند و مانع کارتلی عمل کردن اوپک و وضع محدودیت توسط این سازمان برای سقف تولید شود، اوباما از شورشیان نیجریه درخواست کرد که از حمله به تاسیسات نفتی دست بکشند تا تولید نفت این کشور افزایش یابد و این درخواست تا حدودی هم مورد استقبال شورشیان وابسته به جنبش رهائی بخش دلتای نیجر قرار گرفت.

در هر حال درست است که طی دو سال گذشته عوامل تکنیکی و سیاسی-روانی و محدودیت‌های پائین دستی و بازارهای بورس به مقدار زیادی بر بازار نفت تاثیر گذار بوده اند، اما نباید فراموش کرد که چنین عواملی همواره کم و بیش وجود داشته‌اند. واقعیت این است که همانطور که «جفری کاپفر» (از مقامات ارشد وزارت انرژی آمریکا) می‌گوید: قیمت‌های بالای نفت ناشی از عوامل بنیادین بازار است. صفر شدن (یا نزدیک به صفر شدن) ظرفیت مازاد اوپک در دو سال گذشته تاثیر گذاری سایر عوامل را نیز به شدت افزایش داده و دامنه نوسانات را تشدید نموده است.

اخیراً عده‌ای از اعضاء کنگره آمریکا دولت این کشور را تحت فشار قرار داده‌اند که برای آرامش دادن به بازار، ذخائر استراتژیک را وارد بازار نمایند و یا حداقل توقف افزایش سطح ذخیره سازی‌ها را در دستور کار قرار دهند. بنظر می‌رسد ارائه دهندگان این پیشنهاد نیز جزء کسانی هستند که به حساسیت‌های بازار نفت و قوف ندارند. طی سه دهه گذشته، ظرفیت‌های مازاد تولید اوپک و ذخائر استراتژیک کشورهای مصرف‌کننده، دو سوپاپ اطمینان مکمل در کنترل بازار نفت بوده‌اند. در شرایطی که یکی موضوعیت خود را از داده است، حساسیت دومی دوچندان می‌شود و اگر شرایط بازار کشورهای عمده مصرف‌کننده را مجبور کند که به این ذخائر نیز دست ببرند انتظار قیمت‌های بسیار بالاتر را باید داشت.

بنظر می‌رسد کاهش تقاضای جهانی نفت، تنها چیزی است که در این شرایط می‌تواند عطش بازار نفت را فرونشاند. اگر کاهش و توقف رشد اقتصادی ایالات متحده تداوم یافته و به رکود اقتصادی این کشور منتهی شود و رکود اقتصادی بزرگترین اقتصاد جهان رکود بقیه اقتصادهای عمده را در پی داشته باشد. قیمت جهانی نفت می‌تواند در سراسی سقوط قرار گیرد. البته تحولات و ابداعات تکنولوژیکی نیز عامل دیگری هستند که بدلیل قابل پیش بینی نبودنشان طبعاً موضوع این تحلیل قرار نگرفته‌اند و این تحلیل طبعاً بر مبنای تداوم روند فنی موجود جهان است.

سید غلامحسین حسن تاش

رئیس جدید این آژانس مواضع منطقی تری دارد. ظاهراً در جریان سفر اخیر وی به عربستان، سعودی‌ها وی راقانع کردند و او در پایان سفرش گفت که: «اگر اوپک میزان تولید خود را در سطوح فعلی حفظ کند توازن بین عرضه و تقاضا بیشتر خواهد شد و وضعیت آینده بهتر و متعادل‌تر خواهد بود». تاناکا بعداً در کنفرانس بین‌المللی انرژی در شهر «رم» در اوایل اردیبهشت ماه نیز این حرف را تکرار کرد و گفت: در حال حاضر میزان تولید نفت کافی است. تاناکا همچنین گفت: «نمایندگان کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده، در جریان کنفرانس به این نتیجه نرسیدند که قیمت‌های نفت ۱۱۷ دلار در بشکه قیمت‌های بالائی است».

بنظر می‌رسد مدیران و مقامات غربی به میزانی که شناخت و اطلاعات بیشتری از وضعیت جهانی انرژی و بازار نفت دارند، پذیرش بیشتری از واقعیت دارند و فهمیده‌اند که تحریک بازار و مقابله با اوپک فایده‌ای ندارد. در حالی که «گوردون بران» نخست وزیر انگلستان اخیراً خواستار افزایش تولید اوپک شده بود، «مالکولم ویکس» وزیر انرژی این کشور، هفته گذشته اعتراف کرد که راه حل آسانی برای افزایش تولید نفت وجود ندارد. وی گفت فکر نمی‌کند که اوپک بتواند نفت بیشتری را وارد بازار کند. جرج بوش نیز هفته گذشته گفت که هیچ عصابی جادوئی وجود ندارد که قیمت‌های بالای سوخت را کاهش دهد و بار دیگر از کنگره خواست که در واقع حساسیت‌های زیست محیطی را کنار بگذارند و اجازه حفاری در میادین نفتی آلاسکا و نیز احداث نیروگاه‌های هسته‌ای و زغالسنگی را صادر کنند.

حداقل در دو دهه گذشته این پدیده به یک روال جا افتاده تبدیل شده بود که مراجع غربی و خصوصاً «آژانس بین‌المللی انرژی» و اداره اطلاعات انرژی ایالات متحده در پیش‌بینی‌های بلندمدت نفت و انرژی خود عمدتاً بر روند تقاضای جهانی تاکید داشتند و تقاضای جهانی نفت را پیش‌بینی می‌کردند و پس از مشخص کردن سهم تولید غیر اوپک، بدون توجه به محدودیت‌های حوزه‌ها و ذخائر زیرزمینی نفتی، فرض می‌کردند که اوپکی‌ها بقیه نیاز بازار را تولید خواهند نمود و خصوصاً برای عربستان سعودی ارقام افسانه‌ای بالاتر از بیست میلیون بشکه تولید و گاهی حتی تا بیست و هشت میلیون بشکه ظرفیت تولید نفت را لحاظ می‌کردند. اما اینک بار روشن شدن حقائق، وزیر نفت عربستان سعودی در اوج شرایط فشار بازار اعلام می‌نماید که ظرفیت تولید این کشور حتی تا سال ۲۰۲۰ نیز از ۵/۱۲ میلیون بشکه در روز تجاوز نخواهد کرد. ظاهراً ادعاهای «متیو سیمونز» در کتاب غروب نفت در صحرا در مورد مشکلات و محدودیت‌های تولید عربستان سعودی که در سال ۲۰۰۵ میلادی به رشته تحریر درآمد، اینک اعتبار خود را اشکار نموده است.

در میان دو کاندیدای رقیب حزب دموکرات آمریکا در انتخابات